



ORIGINAL RESEARCH PAPER

An Analysis of Economic Law in the Current Legal Order

Nosratollah Saberi^{1*},  Mohammad Qayyoom Zadeh², Mansoureh Baqeri Pour³

Received:

23 Dec 2020

Revised:

17 Feb 2021

Accepted:

02 Mar 2021

Available Online:

01 Apr 2021

Abstract

Background and Aim: Economic law should be considered as the law of organization and development, which along with its other characteristics such as market efficiency, flexibility, government-private sector participation and by creating new institutions, increases wealth and market efficiency and comprehensive development of economic justice. In the society will be. In economic law, the concepts used play a key role in the formation of private institutions and in the formulation and interpretation of laws and regulations, of which regulations are among the concepts. Economic law is a new branch in the science of law and, in parallel, the science of economics, and in a way, the legalization of economics with the parameter of government intervention is considered. This branch of law opens new windows in the development of social justice with the updating of laws and regulations and also with the creation of the deregulation movement.

Materials and Methods: This study is of descriptive - analytical one.

Ethical Considerations: Authenticity of the texts, honesty has been observed in this study.

Findings: This study seeks to explain the practical position of economic law, the need to use the findings of economics in analysis Explain the legal rules and the need to eliminate inefficient laws and proper oversight of the implementation of the principle of privatization, which is one of the highest goals of economic law and Proved the preconditions for Iran's entry into world trade.

Conclusion: Given the rapid development of technology in the present age, the need to keep pace with modern science and the emerging branch of economic law, in order to keep law and economics up to date, is twofold.

Keywords:

Market,
Economic law,
Privatization,
Government,
Intervention,
Deregulation.

1 Visiting Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran & Basic lawyer of a judiciary. (Corresponding Author)*

Email: Saberi.nosratoll@ut.ac.ir Phone: +989127386903

2 Professor, Department of Islamic culture and knowledge, Faculty of Humanities, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.

3 Invited Lecturer, Department of Humanities, Damavand Center, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Please Cite This Article As: Saberi, N; Qayyoom Zadeh, M & Baqeri Pour, M (2021). "An Analysis of Economic Law in the Current Legal Order". *Interdisciplinary Legal Research*, 2 (1): 1-18.



مقاله پژوهشی

(صفحات ۱-۱۸)

تحلیلی بر حقوق اقتصادی در نظم کنونی حقوقی

نصرت‌الله صابری^۱، محمد قیوم‌زاده^۲، منصوره باقری‌پور^۳

۱. استادیار مدعو، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران و وکیل پایه یک دادگستری. (نویسنده مسؤول)
Email: Saberi.nosratoll@ut.ac.ir

۲. استاد، گروه فرهنگ و معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

۳. مدرس مدعو، گروه علوم انسانی، مرکز دماوند، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۳ ویرایش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۹ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۲ انتشار: ۱۴۰۰/۱/۱۲

چکیده

زمینه و هدف: حقوق اقتصادی را باید حقوق سازماندهی و توسعه دانست که در کنار سایر ویژگی‌های خود از جمله کارایی بازار، انعطاف‌پذیری، مشارکت دولت و بخش خصوصی و با ایجاد نهادهای جدید، موجب افزایش ثروت و کارایی بازار و توسعه همه‌جانبه عدالت اقتصادی در جامعه خواهد شد. در حقوق اقتصادی، مفاهیم بکار گرفته‌شده، در شکل‌گیری نهادهای خصوصی و در تدوین و تفسیر قوانین و مقررات، نقش اساسی دارد، که مقررات از زمره آن مفاهیم است. حقوق اقتصادی، شاخه‌ای نو در علم حقوق و به موازات، علم اقتصاد است و به نوعی، حقوقی کردن اقتصاد با پارامتر دخالت دولت تلقی می‌گردد. این شاخه حقوقی با روزآمدی قوانین و مقررات و ایضاً با ایجاد نهضت مقررات‌زدایی، پنجره‌ای نو در بسط و توسعه عدالت اجتماعی می‌گشاید.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است.

ملاحظات اخلاقی: در این تحقیق، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: این پژوهش در پی آن است که با تبیین جایگاه کاربردی حقوق اقتصادی، ضرورت استفاده از یافته‌های علم اقتصاد در تحلیل قواعد حقوقی را بیان و ضرورت حذف قوانین ناکارآمد و نظارت صحیح بر اجرای اصل خصوصی‌سازی، که از اهداف عالی حقوق اقتصادی و از پیش‌درآمدهای ورود ایران به عرصه تجارت جهانی است را به اثبات رساند.

نتیجه‌گیری: با توجه به سرعت پیشرفت تکنولوژی در عصر حاضر، ضرورت هم‌سو بودن با علم روز و شاخه نوظهور حقوق اقتصادی، در راستای روزآمد بودن حقوق و اقتصاد، دوچندان است.

کلمات کلیدی: بازار، حقوق اقتصادی، خصوصی‌سازی، دخالت دولت، مقررات‌زدایی.

مقدمه

با این فروض، بنیان اصلی اقتصاد به مدد مولودی به نام حقوق اقتصادی، به نوعی دچار تحول شده است. به عنوان مثال، در قراردادهای رشته‌ای جدید به نام قراردادهای اقتصادی ایجاد شده که فرمت آن با قراردادهای قبلی و سنتی کاملاً متفاوت است. لذا باید به ریشه تحول و تکامل این رشته اهمیت داد و آن را بازشناسی کرد و تأثیر شگرف آن بر اقتصاد و حقوق را، چه از جنبه نظری و چه از منظر عملی، مورد شناسایی قرار داد.

به عبارت دیگر، حقوق اقتصادی؛ تعریف دیگر توسعه‌یافته همان حقوق تجارت سنتی و شکل تکامل‌یافته آن است که در آن، قواعد حقوقی، باید فراتر از تنظیم روابط تجاری و اقتصادی پیش رود.

در نهایت، مسؤلیت نظارت بر تحقق اهداف حقوق اقتصادی در ایران و بررسی ضمانت‌های اجرایی حقوق اقتصادی، پرسش‌هایی است که این پژوهش به دنبال حصول به پاسخ منطقی و علمی آنها است.

۳- روش تحقیق: روش تحقیق در این پژوهش به صورت تحلیلی و توصیفی است.

بحث و نظر

۱- حقوق اقتصادی چیست؟

حقوق اقتصادی را می‌توان حقوق مربوط به مداخلات دولت در اقتصاد، حقوق مربوط به هدایت، نظارت و تنظیم فعالیت‌های اقتصادی و توسعه و سازمان‌های اقتصادی دانست.

در این فعالیت‌ها، مجموعه قوانین، عرف‌ها، رویه قضایی و کلیه فعالیت‌های اقتصادی در قلمرو یک کشور را می‌توان در زمره حقوق اقتصادی دانست.

هنوز حقوق‌دانان تعریفی جامع از حقوق اقتصادی ارائه نداده‌اند، لیکن آنچه تاکنون از لابلای متون کتاب‌ها و مقالات علمی قابل بیان است، مشخص می‌کند که به زعم

۱- بیان موضوع: حقوق اقتصادی، رشته‌ای نوین و ممزوج از اقتصاد و حقوق است که در امریکا رشد و تحول پیدا کرده و در ادبیات انگلیسی و امریکا، دکترین قابل توجهی برای توجیه علمی آن بیان و ایجاد شده است. امروزه در عرصه اقتصاد و حقوق، بحث مداخله و تنظیم و نظارت بر بازار و استفاده کاربردی از یافته‌های علم اقتصاد در حقوق است که می‌تواند با ابزاری از قبیل یارانه، مالیات، بودجه‌بندی و ... صورت گیرد و در قالب حقوق اقتصادی، به "نهضتی که توانایی تغییر جامعه حقوقی دولتی را از سنتی بودن دارد" بازتعریف شود.

۲- تبیین مفهوم: در یک نگاه کلی می‌توان اهداف اصلی حقوق اقتصادی را در موارد ذیل احصاء نمود:

الف - برداشتن موانع کارایی بازار؛

ب - افزایش ثروت؛

ج - اصلاح ناکارآمدی بازار؛

د - ایجاد تعادل در بازار.

البته این بدان معنی نخواهد بود که این اهداف در کلیه جوامع به صورت ثابت و یکسان وجود داشته باشد، لیکن می‌توان این‌گونه ادعا نمود که اهداف مذکور، هدف مشترک حقوق اقتصادی در اکثر جوامع است. این رشته نوین، همه رشته‌ها از جمله حقوق کیفری، مدنی، خانواده، مالکیت، و ... را نیز متحول کرده و این علاوه بر آثار عملی و اجرایی بر سایر زیرشاخه‌های حقوق عمومی و اشتراکات آن با حقوق خصوصی است، زیرا در این رشته، حقوق با ابزارها و مفاهیم اقتصادی مورد ارزیابی قرار گرفته است و این مقاله با تحلیل مبانی نظری حقوق اقتصادی، در پی حصول به پاسخ این سؤال می‌باشد که اهداف حقوق اقتصادی کدام است؟ و همچنین تحقق اهداف حقوق اقتصادی در ایران، مستلزم چه سازوکارهایی است؟

۱-۱- تحلیل رشته حقوق اقتصادی

تحلیل موضوع از این حیث واجد اهمیت است که بتوان با دسترسی به ریشه‌های تاریخی و نحوه تحول و تکامل آن، نسبت به تطبیق و به‌روزرسانی آن در قوانین موضوعه سایر کشورها از جمله ایران و ضرورت تکامل و پیشرفت آن قدم برداشت تا بتوان هم‌سو و هماهنگ با پیشرفت روزافزون اقتصاد در جوامع کنونی، سازوکارهای متناسب با آن را در جهت رشد و شکوفایی چرخه اقتصادی کشور و همچنین استفاده به موقع از فرصت‌های اقتصادی اتخاذ نمود. لذا با تدقیق در نحوه قانون‌گذاری و همچنین تبعیت از نهضت قانون‌زدایی، می‌توان موانع پیشرفت اقتصادی را در راستای برون‌رفت از بن‌بست اقتصادی بازشناسی و با تحلیلی درست از وقایع اقتصادی جهان، نسبت به ایجاد دولتی کارآمد، اقتصادی شکوفا و کارا، که افزایش ثروت و کارآمدی بازار را موجب خواهد شد، امیدوار بود.

در حقوق اقتصادی، مفاهیمی بکار گرفته شده است که در شکل‌گیری نهادهای حقوقی و در تدوین و تفسیر قوانین و مقررات و قواعد، نقش اساسی دارد. یکی از این مفاهیم، نظم عمومی اقتصادی است که به تفسیر آن خواهد پرداخت.

۱-۱-۱- نظم عمومی اقتصادی

نظم عمومی^۱ در فقه و حقوق، اصطلاح شناخته‌شده‌ای است و متون فقهی و حقوقی بسیاری، در بردارنده این واژه است و تعریف‌هایی متعدد از آن به عمل آمده، لکن برای تشخیص مصادیق نظم عمومی ضابطه دقیق ارائه نشده است و نمی‌توان از تمام آن تعاریف، چنین ضابطه‌ای را به دست آورد. نقطه مشترک مذکور در این تعاریفها، ارتباط مفهوم نظم عمومی با منافع و مصالح عمومی جامعه است (الفت، ۱۳۸۴: ۸۲).

بنابراین، در یک نگاه کلی، می‌توان ادعان نمود مفهوم نظم اقتصادی، پایه حقوق اقتصادی را تشکیل می‌دهد.

حقوق‌دانان امروزی، حقوق اقتصادی رشته‌ای مستقل است و تمام ویژگی‌ها و ضوابط و خصوصیات یک رشته مستقل، که باید در آن باشد، را دارا است و تنها شامل حقوق مداخله دولت در اقتصاد نیست، بلکه روابط و فعالیت‌های اشخاص بخش خصوصی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و به این سان، به مزوج بودن روابط حقوق اقتصادی با حقوق خصوصی و حقوق عمومی معتقد می‌باشد.

حقوق اقتصادی علاوه بر این که اصول و قواعد مستقل خود را دارد، در سایر رشته‌ها نیز اثرگذاری قابل توجهی داشته است، از جمله تحلیل اقتصادی قراردادها، تحلیل اقتصادی قوانین مدنی، حقوق ورشکستگی و ...، که البته هدف آن در پاره‌ای از موارد، تقویت خصوصی‌سازی و دموکراتیزه کردن اقتصاد است و این همان آمالی است که دولت‌ها در پی آن هستند.

به تعبیر روشن‌تر، باید ادعان نمود منطقی که فرآیند خصوصی‌سازی بر پایه آن استوار شده، این است که انتقال تصدی‌گری فعالیت‌ها در زمینه‌های تولید کالا و ارائه خدمات از بخش دولتی و عمومی به بخش خصوصی، افزایش کارایی عوامل تولید و تخصیص بهینه منابع، که ناشی از گسترش رقابت و ایجاد شفافیت است را باعث می‌شود. (همشه‌ری آنلاین، بی تا: ۱)

شاید به تعبیری بتوان اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (صرف نظر از موارد ضعف یا قوت آن) را که مبحث خصوصی‌سازی است، ثمره حقوق اقتصادی دانست. در واقع، حقوق اقتصادی را باید یک پارادایم^۱ حقوقی در این حوزه دانست که امید به فراگیر شدن آن می‌رود.

۱. واژه پارادایم، از یونانی: پارادیگما (paraadigma)، به انگلیسی پارادایم (paradigm). نخست در سده پانزدهم و به معنی "الگو و مدل" مورد استفاده قرار گرفت. از سال ۱۹۶۰ کلمه پارادایم به الگوی تفکر در هر رشته علمی یا دیگر متون شناخت‌شناختی گفته می‌شود (برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: کوهن، ۱۳۶۹: ۱۸۰).

۲- ضرورت تبعیت از نهضت مقررات و مقررات‌زدایی

در حقوق اقتصادی، یکی از ابزارهای مهم حقوقی، مقررات است. مقررات با ویژگی انعطاف‌پذیری تحولات و تغییرات اقتصادی منطبق است. لذا مهم‌ترین ابزار دولت در حقوق اقتصادی مقررات^۱ می‌باشد. اهمیت آن، چگونگی شکل‌گیری، آیین تدوین مقررات، چرایی مقررات در این مقوله مورد نظر است که با لحاظ نمودن آن در قراردادهای، به نوعی اهداف دولت در حمایت از منافع عمومی و بخش خصوصی حفظ خواهد شد.

علیرغم این که در تعابیر حقوقی، مقررات را ریل‌گذاری قوانین معرفی نموده‌اند، مقررات به عنوان یک محدودیت قانونی است که توسط مقامات دولتی و اتحادیه‌ها صادر می‌شود و یک نوع قانون‌گذاری تکمیلی تلقی می‌گردد، یعنی قانون اولیه توسط مجلس قانون‌گذاری تصویب می‌شود و آیین‌نامه اجرایی آن، توسط مقامات اجرایی. با اندکی مذاقه می‌توان دریافت که گاهی در متن قانون پیش‌بینی می‌شود که آیین‌نامه اجرایی^۲ این قانون با همکاری سایر دستگاهها (دستگاههای متولی امر به صورت کامل مشخص می‌شود) در مدت فلان ماه تدوین خواهد شد و به نوعی در متن قانون، تدوین برخی از جزئیات به دیگر بخش‌های حکومت، تفویض می‌گردد.^۳

البته باید در نظر داشت که یک نقطه قوت و یک نقطه ضعف در اینجا وجود دارد. نقطه ضعف تدوین این‌گونه قوانین و تفویض تدوین آیین‌نامه اجرایی آن به دولت‌ها، در حالی

صورت می‌گیرد که اگر دولتی با قانون مصوب مجلس موافقت نداشته باشد، کافی است تا با عدم تدوین آیین‌نامه اجرایی آن، عملاً آن را از دور خارج کند و با تأسف، در هیچ قانونی سازوکاری مناسب در برخورد قانونی با عدم تدوین آیین‌نامه‌ها یا تأخیر در تدوین آنان دیده نشده است، اما نقطه قوت این تفویض را می‌توان این‌گونه بیان داشت که این قوه مجریه است که باید این قانون را در جامعه اجرایی نماید و هم او است که می‌بایست به لحاظ داشتن زیرساخت‌ها و امکانات موجود نسبت به تدوین آیین‌نامه اجرایی قانون مورد نظر و تبیین سازوکارهای متناسب با اقتصاد عمومی؛ به نحوی که منافع اکثریت جامعه را حفظ کند، اهتمام نماید. به عبارت دیگر، دولت به وسیله مقررات اجازه می‌دهد افرادی خاص در بنگاههایی خاص فعالیت نمایند و این عملکرد تحت عنوان ساماندهی، تنظیم، تعدیل و ... تعریف می‌شود، لیکن این نحوه فعالیت‌ها و تنسيق و تنظیم روابط صنفی آنان، به چارچوبی قانونی و مدوّن نیازمند است تا از بروز هرگونه تشوّت در بازار و آشفتگی در روابط جلوگیری کند، که در اصطلاح، به آن "قرارداد" می‌گویند.

در اینجا چاره‌ای نیست جز آن که گریزی به مفهوم قراردادها و نقش آن در حقوق اقتصادی زده شود.

۲-۱- قراردادهای

همانگونه که دولت‌ها مدعی هستند یکی از مهم‌ترین بحث‌های حقوق اقتصادی، حقوق رقابت و حمایت از مصرف‌کننده است، که به مهم‌ترین موضوع و کلیدی‌ترین بخش حقوق اقتصادی، یعنی حفظ حقوق بخش خصوصی ارتباط پیدا می‌کند. در یک نگاه کلی می‌توان به مباحث موضوع تحلیل اقتصادی در حقوق مدنی، حقوق بازار بورس و از همه مهم‌تر حقوق ورشکستگی^۴ اشاره نمود، لیکن آنچه

1. Regulation

۲. آیین‌نامه به مقرراتی گفته می‌شود که توسط مقامات صلاحیت‌دار به تصویب قانون وضع و به مرحله اجرا گذارده می‌شود. خواه هدف آن تسهیل اجرا و تشریح قانونی از قوانین موضوعه باشد؛ خواه در مواردی باشد که اساساً قانونی وضع نشده است، که در آن صورت به آن نظام‌نامه هم می‌گویند.

۳. گرچه ماهیت حقوقی و عدم تدوین مقررات پایین‌دستی در مهلت مقرر توسط دستگاههای متولی یا سازوکار نظارتی و ضمانت عدم اجرای آن، تاکنون تعیین و تصویب نگردیده، که رسیدگی به این مهم، از موضوع پژوهش خارج است و خود زمان و عنوان مفصل دیگری را می‌طلبد.

۴. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: طجلو، ۱۳۸۹.

حال باید دید چرا با وجود قراردادهای حقوق اقتصادی می‌تواند در اقتصاد یک جامعه اثرزایی داشته باشد؟

۴- اهمیت حقوق اقتصادی

اینک باید به این پرسش پاسخ داد که چرا حقوق اقتصادی اهمیت دارد؟

اهمیت حقوق اقتصادی از آن منظر واجد ارزش خواهد بود که دانسته شود حقوق اقتصادی برخلاف حقوق سنتی، قابلیت انطباق با شرایط جدید اجتماعی و اقتصادی را دارد و از آنجا که حقوق سنتی، قابلیت حل مسائل مستحدثه جدید در تحولات تکنولوژی و اقتصادی روز را ندارد، اهمیت آن دوچندان می‌شود؛ البته این ایده نافی ارزش حقوق سنتی ما نخواهد بود، بلکه اعتقاد به ناکافی بودن آن، با توجه به پیشرفت علم و تکنولوژی است که دولت‌ها را به فکر استفاده از علم حقوقی و اقتصادی روز انداخته است.

به عبارت دیگر، تکنولوژی جدید نیازمند حقوقی جدید است. در یک مثال کوتاه، می‌توان این ایده را این‌گونه اظهار داشت که آیا امروزه می‌توان خیار مجلس را در موضوع قراردادهای الکترونیکی بکار گرفت؟ یا جایگاه اهلیت در این‌گونه قراردادهای کجا قابل بررسی و راستی‌آزمایی است؟ یا در قراردادهای الکترونیکی^۲ صیغه ایجاب و قبول از چه زمانی، ماهیت حقوقی پیدا خواهد نمود؟

در واقع، حقوق اقتصادی به دنبال ایجاد و تطبیق علم حقوقی با شرایط جدید اقتصادی است و دلایل ایجاد آن، مثل دلایل ایجاد سایر رشته‌های حقوق است. لذا با همان دلایلی که حقوق کار از حقوق مدنی جدا شد یا این که یک سری ضرورت‌ها موجب شد تا حقوق بشر به صورت یک رشته مستقل ایجاد شود یا به دلیل حرکت و رشد سریع حقوق تجارت و حرکت لاک‌پستی و گند حقوق مدنی، موجبات

حفظ اصالت و اجرایی شدن این حقوق و البته تبیین خطوط تعهدآور طرفین در هر اقتصادی را موجب خواهد شد، تنظیم و تسنیق قراردادها است.

معمولاً دولت نیازمندی‌هایی دارد که برای رفع آنها به انعقاد عقود و قرارداد مبادرت می‌نماید و پاره‌ای از خدمات و امور عمومی جامعه را به جای آن که خود مباشر مستقیم آن باشد از طریق انعقاد قرارداد اداری به دیگران واگذار می‌کند. در کنار تصمیمات یک‌جانبه، اداره می‌تواند برای رسیدن به اهداف خویش از طریق توافق و با انعقاد قرارداد عمل نماید و با استفاده از قرارداد و روش قراردادی به اهداف خود برسد. (رمضان‌پور، بی‌تا: ۱) نقش دولت این است که سیاست‌گذاری کند؛ از مالکیت‌ها و قراردادهای خصوصی حمایت نماید؛ عدالت کفیری را تضمین کند تا صلح و آرامش برقرار شود؛ بازارها را تنظیم و مقررات‌گذاری نماید؛ بازتوزیع منصفانه ثروت را تضمین کند؛ ثبات اقتصادی ایجاد کند؛ زیرساخت‌ها را توسعه دهد؛ نارسایی‌های بازار را مرتفع کند؛ نظامات تأمین اجتماعی را برقرار نماید؛ از کارگران و کارگاهها حمایت کند. (نجابت‌خواه و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۸) بدیهی است دولت‌ها همه این امور را جز در سایه تدوین قراردادهای نمی‌توانند به سرانجام برسانند، به این معنا که یکی از ابزارهای حقوقی دولت‌ها یا به تعبیر بهتر، مهم‌ترین و موثرترین ابزار تنظیم روابط در هر نظام اقتصادی، قراردادها است. قراردادهای اقتصادی نیز نوعی از قراردادهای است که در حقوق اقتصادی شکل گرفته است، مثل قراردادهای امتیازی.^۱

دولت بر این اساس، از حجم مالکیت، کارفرمایی، تولیدکنندگی و تصدی‌گری خود؛ تا جایی که اوضاع و احوال اجازه دهد، می‌کاهد و بر نقش‌های مقررات‌گذاری (تنظیم‌کنندگی)، سیاست‌گذاری و بازتوزیعی خود می‌افزاید.

(نجابت‌خواه و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۸)

۲. قراردادهایی است که به طور معمول با استفاده از ابزارها و فن‌آوری‌های نوین ارتباطی با سرعت زیاد مانند فکس، ایمیل، ویدیوکنفرانس و غیره منعقد می‌شود.

۱. این مدل از قراردادهای بیشتر در حوزه نفت و گاز و صنایع مادر کاربرد دارند.

د - حقوق اقتصادی، حقوق سازمان‌دهی و توسعه اقتصادی است.

در ذیل به صورت گذرا، هر یک از تعاریف با توجه به منابع موجود و عرف حاکم، واریسی حقوقی خواهد شد:

الف - حقوق دخالت دولت در اقتصاد: آنجا که از حقوق اقتصادی به عنوان حقوق دخالت دولت در اقتصاد یاد می‌کنند، منظور حقوق مقررات‌گذاری است که اگر حقوق اقتصادی این‌گونه دانسته شود زیرمجموعه حقوق عمومی قرار می‌گیرد و چاره‌ای نیست جز آن که سازوکار و آیین آن در قانون اساسی کشورها جستجو شود. در واقع، باید بررسی شود قلمرو دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی تا کجا است؟ و موارد این مداخله را کدام ماده قانون اساسی مورد مذاقه و توجه قرار می‌دهد؛

ب - شکل تکامل‌یافته حقوق سنتی: برخی معتقدند حقوق اقتصادی، شکل تکامل‌یافته تجارت سنتی است. به عبارت دیگر، نمی‌تواند شاخه‌ای نو در اقتصاد و حقوق تلقی شود. دولت همان شکل تجارت سنتی را بسط و گسترش داده و بدون تغییرات بنیادین با شکلی جدید آن را ارائه کرده است و خیلی امکان سازگاری با وضع موجود ندارد؛

ج - رشته‌ای جدید به نام حقوق اقتصادی: با بررسی اثرات حاصل از حقوق اقتصادی در بازار می‌توان چنین بیان نمود که حقوق اقتصادی قابلیت تقسیم به شاخه عمومی و خصوصی را دارد و در صورت پای‌بندی به این تقسیم، چاره‌ای نیست جز آن که حقوق اقتصادی، شاخه‌ای نوین در حقوق و اقتصاد به‌شمار آید؛

د - حقوق اقتصادی حقوق سازمان‌دهی و توسعه است: در واقع، این خصوصیتی بارز برای حقوق اقتصادی است، لکن برابر آنچه که در پی می‌آید نمی‌توان حقوق اقتصادی را صرفاً واجد همین خصوصیت مجرد دانست، زیرا قابل دفاع خواهد بود اگر ادعان شود که سازمان‌دهی و توسعه، تنها یکی از اهداف

تفکیک این دو رشته را فراهم نموده، همه از دلایلی است که در ایجاد یک رشته مستقل حقوق اقتصادی جدید مؤثر بوده است. لذا به طور خلاصه می‌توان دلایل ایجاد رشته مستقل حقوق اقتصادی را در یک دسته‌بندی کلی به دو بخش تقسیم کرد:

الف - هم‌گام شدن با پیشرفت‌های جدید؛

ب - تعادل قراردادی.

یعنی در جایی که یک طرف قرارداد، بازیگری قوی (دولت‌ها) و طرف دیگر، بازیگری ضعیف (مردم) وجود دارد، حقوق اقتصادی با تعادل قراردادی، به دنبال حمایت از قشر آسیب‌پذیر است. دولت باید با برخورداری از توانمندی و ابتکار عمل مناسب، مهارت لازم برای حضور حداقلی، ولی مؤثر در مناسبات اجتماعی و اقتصادی را داشته باشد.

مهم‌ترین زمینه فعالیت دولت در چنین فضایی نهادسازی، سیاست‌گذاری، عدالت‌گستری و مقررات‌گذاری است.

(نجابت‌خواه و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۸)

با تدقیق در آنچه بیان شد، به آسانی می‌توان به این نکته پی برد که دو خصوصیت فوق، نافی اقدامات سابق یا نفی قراردادهای فعلی نیست، لیکن ضرورت هم‌گام‌سازی را گوشزد و ضروری می‌داند، زیرا اگر حقوق و اقتصاد نتوانند پا به پای پیشرفت و تکنولوژی گام بردارند، نابسامانی و ناهمگونی در این چرخه، به طور خودکار، وقفه در گردش این چرخ دوار را موجب خواهد شد.

در یک بررسی کلی، ۴ تعریف مختصر برای حقوق اقتصادی در نظر گرفته‌اند:

الف - حقوق اقتصادی، حقوق دخالت دولت در اقتصاد است؛

ب - حقوق اقتصادی شکل تکامل‌یافته حقوق تجارت سنتی موجود است؛

ج - حقوق اقتصادی رشته‌ای جدید و قابل تقسیم به حقوق خصوصی و حقوق عمومی است؛

حقوق اقتصادی است و برکاتی دیگر از آن قابل استحصال است و این تعریف نمی‌تواند کافی و وافی باشد.

۵- حقوق اقتصادی در قانون اساسی ایران

با کنکاشی در قانون اساسی ایران ملاحظه می‌شود که مطابق اصل ۴۵ قانون اساسی، انفال و ثروت‌های عمومی در اختیار حکومت اسلامی است و اصل ۸۱ هم تأکید دارد امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجی‌ها مطلقاً ممنوع است. همچنین اصل ۱۵۳، عقد هرگونه قرارداد که سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی کشور را موجب شود، منع کرده است و اصولی دیگر از این قبیل، که همگی از تعیین تکالیف دولت‌ها در انجام تعهدات محوله حکایت دارد و این که در هنگام عقد قرارداد، به خطوط قرمز ترسیم‌شده، توجه کافی داشته باشند. اینها همه نمونه‌هایی از تدوین سازوکار اقتصاد توسط دولت تلقی می‌گردد، که رد پای از حقوق اقتصادی نیز در آنها مشاهده می‌شود.

در واقع، با بیان جزئیات فوق‌الاشاره، دولت با استفاده از حقوق اقتصادی، در پی تبیین تعهدات خود با بخش غیردولتی (بخش خصوصی) یا همان بازار است.

در قانون اساسی، اصل بر آزادی اقتصادی و احترام به مالکیت خصوصی است و قواعدی نیز در این خصوص وجود دارد و آزادی رقابت را مورد تأکید قرار می‌دهد، لیکن در پاره‌ای از موارد، اصل آزادی خصوصی، به دلیل تبعیت از شرایطی ممکن است محدود شود. این محدودیت در قالب استثنائات اصل آزادی قابل بررسی است و به مواردی که به حوزه پژوهش حاضر برمی‌گردد، اشاره خواهد شد:

الف - یکی از این استثنائات اصل آزادی، رعایت منفعت و مصلحت عمومی است؛

ب - استثناء دیگر، اصل ملی کردن و خصوصی‌سازی است.

در اینجا است که حقوق اقتصادی باید یک فرمول روشن برای آزادی اقتصادی، سازوکارهای توزیع و محدودیت‌های ناشی از آن را ارائه نماید؛ البته در کنار این موارد، باید به بحث مشارکتی بودن اقتصاد، مداخله دولت و محدودیت‌های رقابت، انحصارگرایی در برخی حوزه‌ها، اصل منفعت عمومی و مصلحت عمومی نیز توجه داشت، یعنی دولت برای حفظ ارزش‌های اخلاقی، کارایی اقتصادی بازار، عدالت اجتماعی و ... در اقتصاد مداخله می‌کند و این مداخله، از مصادیق حکمرانی است. حکمرانی به معنی هماهنگی میان دولت، بازار و جامعه مدنی و مدیریت بر منابع، اعم از منابع انسانی، منابع مالی، منابع طبیعی و سرمایه اجتماعی است، (نجابت‌خواه و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۹) مثلاً اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۱، منافع عمومی و مصالح عمومی را بیان می‌نماید و برای تبیین این مصالح و منافع عمومی و جلوگیری از هرگونه اختلاف نظر و با اختیارات حاصل از اصل ۱۱۲ قانون اساسی، تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام^۲ را موجب شده است. چنین به نظر می‌رسد که تا حدود زیادی شبیه مجلس لردها در انگلیس است؛ با این تفاوت که مجلس لردها فقط نظر مشورتی می‌دهد، اما مجمع تشخیص مصلحت، هم در تدوین برنامه‌های ۵ ساله و هم در بسیاری از موارد قانون‌گذاری می‌کند.

۱. اصل چهل و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، تیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند».

۲. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصلاحیه سال ۱۳۶۸ نهادی جدید، به نام مجمع تشخیص مصلحت نظام بر نهادهای موجود مؤثر در تشکیلات حکومتی نظام جمهوری اسلامی ایران افزوده شد. اصل ۱۱۲ اصلاحی قانون اساسی تشکیل این نهاد و هدف از تشکیل آن را اعلام می‌دارد. این مجمع که به دستور رهبر و زیر نظر او تشکیل می‌شود و اعضای آن را معظم‌له تعیین می‌نماید، علاوه بر این که عنوان بازوی مشورتی رهبر را دارد، در تصویب و تأیید قوانین نیز نقش دارد و در برخی موارد، سرانجام تصویب نهایی قانون، به نظر آن مجمع مؤکول شده است (مهرپور، ۱۳۷۱: ۷).

اقتصادی دانسته شود و آنگاه قطعاً می‌توان اخلال در نظم اقتصادی را نیز تعریف نمود.

همان‌گونه که بیان شد، در ملی کردن منابع، کشور ایران نیز به مثابه سایر کشورهای در حال توسعه، نوساناتی فراوان داشته است، مثلاً اصل ۴۴ قانون اساسی ایران^۱ باید تکامل یابد تا بتوان اصول خصوصی‌سازی را مورد توجه جدی قرار داد و آنچه اینک در قالب خصوصی‌سازی اصل ۴۴ یا سیاست‌های کلی نظام در اجرای اصل ۴۴ صورت پذیرفته، صرفاً ناظر به واگذاری برخی شرکت‌های زیان‌ده یا واگذاری برخی دیگر به بخش‌هایی است که در ادبیات عمومی جامعه از آنها به خصولتی یاد می‌کنند.

در واقع، شرکت‌های خصولتی، شرکت‌هایی هستند که ظاهری خصوصی و باطنی دولتی دارند.

آنچه می‌توان از آن به عنوان رابطه حقوق اقتصادی و خصوصی‌سازی یاد کرد؛ به طوری که قبلاً بیان شد، این است که دولت‌ها در حقوق اقتصادی به دنبال عدالت اجتماعی و ایجاد عدالت در بازار هستند و یکی از این ابزارها، کوچک‌سازی دولت و تقلیل استثنائات است.

میرهن است واگذاری بخش‌های متعلق به دولت، در راستای اصل ۴۴ می‌تواند به این اصل، جامه عمل بپوشاند که ریل‌گذاری این خصوصی‌سازی با تدوین مقررات پویا در حقوق اقتصادی مهیا خواهد شد، لیکن نقد وارد در اینجا،

یکی از اصول کلی در هر نظام حکومتی، اصل بر آزادی اقتصادی است که در کلیه اقتصادهای دنیا دارای محدودیت‌ها و چارچوب‌های مشخص قانونی می‌باشد.

بدیهی است این محدودیت‌ها را صرفاً می‌توان ناشی از ضرورت رعایت منافع و مصالح عمومی، که اساس عدالت بر آن استوار است، توجیه نمود. در این راستا، کشور ایران نیز به تأسی از برخی دول اروپایی و تجربه حاصل از عملکرد آنان، با ایجاد مجمعی به نام تشخیص مصلحت نظام، در پاره‌ای اوقات، با قانون‌گذاری و در اکثر مواقع، با رفع اختلاف بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، در خط اهداف کلی نظام و انقلاب و بر پایه قرآن کریم و شریعت محمدی (ص)، آن‌گونه که توسط معمار کبیر انقلاب تبیین گردیده است، اعمال قدرت می‌نماید. اصل آزادی اقتصادی در مواردی، برای منافع عمومی محدود می‌شود؛ هرچند این موارد از استثنائات می‌باشد، اما امروزه به دلیل اولویت تأمین منافع عمومی گسترده شده است.

در یک بررسی اجمالی به بررسی استثنائات اصل آزادی اقتصادی در سایه حقوق اقتصادی می‌پردازد:

۶- استثنائات اصل آزادی اقتصادی

۶-۱- ملی کردن

توجه به این نکته ضروری است که "ملی کردن"، به نوعی اعمال محدودیت بر آزادی اقتصادی است و باید تعریفی درست از آن ارائه شود، که آیا جبران خسارتی از این ناحیه قابل تصور است یا خیر؟ یا این که این مراجع بر اساس کدام ضوابط نسبت به اموال دیگران تصمیم‌گیری می‌کنند؟

اینها همه مواردی است که اگر به درستی تعریف شوند دیگر مقوله‌های پیچیده‌ای مانند پول‌شویی یا اخلال در نظام اقتصادی ایجاد نمی‌شود و چون این موارد با نظم عمومی اقتصادی در تعارض است، ابتدا باید مفهوم نظم عمومی

۱. اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند این‌ها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانونی جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر ۳ بخش را قانون معین می‌کند.»

که باید ارزان‌ترین روش را انتخاب کند، بلکه باید اداره مؤثرترین روش و ابزار را در مقایسه با هزینه آن، جستجو کند. (نجابت‌خواه و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۲)

۳-۶. خصوصی‌سازی

خصوصی‌سازی^۱ فرایندی اجرایی، مالی و حقوقی است که دولت‌ها در بسیاری از کشورهای جهان برای انجام اصلاحات در اقتصاد و نظام اداری کشور به اجرا درمی‌آورند.

واژه "خصوصی‌سازی"^۲ واژه‌ای است که از اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ با روی کار آمدن دولت‌های محافظه‌کار در انگلیس، آمریکا و فرانسه از رواج گسترده‌ای در عرصه سیاست برخوردار شد؛ به طوری که هم اکنون در کشور ایران نیز موضوع خصوصی‌سازی از جمله مباحث عمده عرصه اقتصاد تلقی می‌شود که هر ازگاهی از آن بهره‌برداری سیاسی در جهت تضعیف یا تقویت دولت‌ها نیز می‌شود. به عبارت دیگر، معنای واژه خصوصی‌سازی در طیفی قرار دارد که هدف آن اجرای شیوه‌ها و سیاست‌هایی برای افزایش نقش نیروهای بازار آزاد در اقتصاد ملی کشورها از طریق ترتیبات مختلف می‌باشد. (همشهری آنلاین، بی‌تا: ۱)

واژه "خصوصی‌سازی" از تغییر در تعادل بین حکومت و بازار و به نفع بازار حکایت دارد. خصوصی‌سازی وسیله‌ای برای افزایش کارایی (مالی و اجتماعی) عملیات یک مؤسسه اقتصادی است، زیرا چنین به نظر می‌رسد که مکانیسم عرضه و تقاضا و بازار در شرایط رقابتی، باعث به‌کارگیری بیشتر عوامل تولید، افزایش کارایی عوامل و در نتیجه تولید بیشتر و متنوع‌تر کالاها و خدمات و کاهش قیمت‌ها خواهد گردید. این

این است که اگر هدف حقوق اقتصادی، همانا خصوصی‌سازی در کشورها عنوان شده و انجام آن با مقررات‌گذاری میسر دانسته شده، چرا این اختیارات مجدداً به خود دولت واگذار شده است؟

در پاسخ به این نقد، می‌توان به این نکته اشاره کرد که دولت برای اجرای خصوصی‌سازی، همواره چالش‌هایی را مطرح می‌نمود که مشتمل بر نقصان قوانین یا سازوکار اجرایی خصوصی‌سازی بوده است. لذا به دلیل برون‌رفت از تنگنای مورد ادعای دولت، سازمان خصوصی‌سازی در دولت تشکیل شد تا مقرراتی را که برای واگذاری بخش‌های مشمول اصل ۴۴ قانون اساسی مد نظر دارد، تهیه و سازوکار تدوین آنها را طی نماید، لیکن در عمل مشاهده شد که علیرغم انجام این مهم و آمادگی مداوم مجلس در جهت تدوین قوانین کارآمد و مورد نیاز دولت در اجرای اصل خصوصی‌سازی، به علت عدم وجود عزم و اراده کلی در اجرای این مهم، توفیقی، ولو اندک، حاصل نشده و خود منشأ فساد گردیده است.

۴-۲. دموکراتیزه کردن اقتصاد

محدود کردن آزادی اقتصادی به وسیله ملی کردن را می‌توان به نوعی در مبحث آزادی اقتصادی و دموکراتیزه کردن و مشارکتی کردن اقتصاد نیز مطرح و جستجو کرد و از مواردی است که موجب می‌شود دولت نگاهی به بازار داشته باشد، زیرا اصل بر این است که شیوه مداخله دولت به شیوه مستقیم نخواهد بود، یعنی قواعد و مقررات به‌صورت غیرمستقیم از طریق دولت وارد بازار می‌شود و دولت به نوعی در تنظیم بازار مشارکت می‌کند.

این مشارکت در برخی کشورها مثل آلمان؛ به نحوی پیشرفت کرده است که دولت با کارگران و بازاریان وارد مشارکت می‌شود. اداره در اجرای وظایفش با رعایت منطلق اقتصادی، مکلف است اقتصادی عمل کند، اما این به این مفهوم نیست

۱. سازمان خصوصی‌سازی به موجب ماده ۱۵ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۹) با تغییر اساسنامه سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی سابق تشکیل گردید. سازمان خصوصی‌سازی یک شرکت سهامی دولتی وابسته به وزارت امور اقتصادی و دارایی و دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و رئیس کل آن معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌باشد. در حال حاضر مرکز این سازمان در تهران است و در سایر استان‌های کشور دفتر یا نمایندگی ندارد.

چه بهتر صورت پذیرفتن "خصوصی‌سازی" باید اقدامات ذیل به طور "هم‌زمان" به عمل آید:

- الف - تقویت حقوق مالکیت خصوصی، تغییر ساختار شرکت‌ها، آزادسازی و مقررات‌زدایی، اصلاح مقررات، اصلاح ساختار مالی (به‌ویژه بازار سرمایه) و بازار نیروی کار؛
- ب - تشویق و هدایت در جهت توسعه بخش خصوصی به منظور تحریک رقابت و ورود تولیدکنندگان به بازار؛
- ج - واگذاری مؤسسات عمومی دولتی به بخش خصوصی (تغییر مالکیت).

در توجیه کلی خصوصی‌سازی گفته‌اند: چون دولتی کردن اقتصاد کارایی نداشته، دولت‌ها به فکر خصوصی‌سازی و تقویت اقتصاد افتادند. خصوصی‌سازی هم موضوع مهم مداخله دولت و یک استثنا بر اصل آزادی اقتصادی تلقی می‌شود. لذا همان‌گونه که پیشروی دولت باید بر اساس موازین قانونی و حقوقی باشد، عقب‌گرد وی نیز باید بر اساس مقرراتی باشد که آن مقررات با حرکت و نظم عمومی در تعارض نباشد، زیرا خصوصی‌سازی به نوعی عقب‌گرد است و باید اصول شفاف‌سازی، تساوی مردم در استفاده از امتیازات آن؛

پاسخ‌گویی؛ شیوه قانونی واگذاری سالم و شیوه حل و فصل اختلافات صحیح و درست در نظر گرفته شود یا مرجعی وجود داشته باشد که بتواند نظام اجرایی دولت را تحت نظارت قرار دهد؛ اگرچه به زعم اکثر علمای علم اقتصاد، تعریف واژه "خصوصی‌سازی" کاری بسیار مشکل است، اما در هر حال، دو معنای محدود و گسترده برای این واژه می‌توان در نظر گرفت:

ابتدا خصوصی‌سازی در معنای محدود خود، عبارت است از واگذاری دارایی‌ها و شرکت‌های دولتی و عمومی به بخش خصوصی، به طور کلی یا شریک کردن آنها در این دارایی‌ها و شرکت‌ها؛

پیش‌بینی به دلیل مبانی تئوریک و علمی در سطح اقتصاد خرد و همچنین تجربه سایر کشورها امری پذیرفته شده است. (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۶-۵۷؛ هوشمند، ۱۳۸۹: ۷۷) در این صورت، چرایی مسأله قابل پاسخ و اثبات است، اما نکته غامض و پیچیده، چگونگی انجام آن و در پیچیده‌ترین مسأله آن، یعنی انتقال مالکیت و نیز شکل‌گیری بخش خصوصی در جامعه است.

خصوصی‌سازی نیز از مواردی است که دخالت دولت در آن وجود دارد؛ هر چند که خصوصی‌سازی را عقب‌نشینی دولت می‌دانند ولی بحث این است که چگونه می‌توان خصوصی‌سازی را دخالت دولت دانست؟

به اعتقاد صاحب‌نظران علم اقتصاد، همان‌گونه که پیشروی دولت یا حاکم باید مبتنی بر مقررات باشد عقب‌نشینی او هم باید تابع اصول و قواعد حقوقی باشد، یعنی در خصوصی‌سازی، واگذاری به چه صورت باشد؟ از چه روشی باید بهره بجوید؟ گرچه دولت شرکت‌های دولتی و خدمات تصدی‌گری را واگذار می‌کند، ولی قدرت نظارت به هدایت و جهت‌دهی این شرکت‌ها را تقویت می‌کند. لذا این عقب‌نشینی ضرورتاً باید تابع قواعد و رویه‌های روشن عادلانه‌ای باشد و اصل تساوی باید رعایت شود تا هر کسی به تناسب قابلیت خود بتواند از سهام این شرکت‌ها بهره ببرد. خصوصی‌سازی یکی از مهم‌ترین موضوعات حقوقی اقتصادی عمومی است. بسیاری از کشورهای اروپای شرقی و روسیه چون قواعد و اصول و نظام پیشرفته خصوصی‌سازی را نداشتند، در اقتصاد خود با شکست مواجه شدند و تصمیم گرفتند برای رهایی از این تنگناهای اقتصادی و قدم‌گذاران در راه توسعه و تکامل اقتصادی و هم‌سان با سایر کشورهای پیشرفته، که این دوران را تجربه نموده‌اند، ابتدا نظام حقوقی خود را اصلاح و سپس نسبت به خصوصی‌سازی اقدام کنند، که نتیجه نیز موفقیت‌آمیز بوده است. به طور خلاصه برای هر

اطاق‌ها، بیشتر محل تصویب پیمانکاری‌ها و پروژه‌ها شده است.

در گذشته، این گونه روال بود که وقتی مجلس، قانونی را تصویب می‌کرد نیازی به مشورت مردم در خصوص آن قانون وجود نداشت، لیکن اینک در اکثر کشورهای جهان، قبل از تصویب قانونی (به عنوان مثال) که ممکن است بخش کارگری یا کشاورزی جامعه را مورد تأثیر قرار دهد، با آن بخش از اتحادیه‌های کارگری و کشاورزی و ... که موجد مشکلاتی هستند، به مشورت می‌نشینند تا قانون مورد تصویب، قبل از تصویب و اجرا، بهترین کارآمدی را داشته باشد.

لذا این نهاد مشورت یا نهاد مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی^۱ می‌تواند از این ایده گرفته شده باشد. با توجه به این که هدف مقنن از تصویب قانون رفع برخی تنگناها و تسهیل امور مردم است، ایده و اندیشه بسیار خوبی بوده که با اتکا به نظریات کارشناسانه این مراکز مشورتی در جهانی که هر روز آن با مسائل مستحدثه و بعضاً پیچیده‌ای مواجه می‌شود، در عمل به ایصال نتیجه مطلوب، موفقیت حاصل گردد؛ البته می‌بایست با تقویت این نهاد، دسترسی به نظریات مردم و کارشناسان و اهل خبره تسهیل گردد؛

- ویژگی دوم: باید اذعان نمود که ماهیت حقوق اقتصادی، عمومی است چون نظارت بر بازار به وسیله دولت است. حال آن که امروزه دولت‌ها برای وصول به اهداف اقتصادی و اجتماعی خود، ضرورت‌هایی جدید را لازم دارند. مثلاً دولت‌ها امروزه صرفاً فکر امنیت داخلی و مرزها نیستند، بلکه به دنبال

سپس معنای خصوصی‌سازی در مفهوم گسترده آن، که بسیار وسیع‌تر از واگذاری دارایی‌ها و شرکت‌های دولتی و عمومی به بخش خصوصی است و بر واگذاری فعالیت‌ها و تصدی‌گری‌هایی، که قبلاً به طور انحصاری در اختیار دولت و بخش عمومی بوده نیز می‌توان تطابق داد، لیکن نقدی بر تشکیل سازمان خصوصی‌سازی و عملکرد آن وارد می‌باشد و آن این است که وجود این سازمان در زیرمجموعه قوه مجریه و بدون نظارت سایر قوا، اشتباهی استراتژیک بوده و بجز سازوکار حکمیت و داوری در قراردادهای خصوصی‌سازی، هیچ‌گونه نظام حقوقی بر اختلافات حاکم نخواهد بود و این نقیصه بزرگی است.

۷- ویژگی‌های حقوق اقتصادی

۷-۱- ویژگی‌های منحصر به فرد حقوق اقتصادی

در زمینه حقوق اقتصادی دیدگاه‌هایی متفاوت وجود دارد که به بیان چند مورد از آنها می‌پردازد:

برخی معتقدند حقوق اقتصادی یک شاخه جدید از حقوق است که قابل تقسیم به حقوق عمومی و خصوصی است و شرایطی جدید حادث شده که شیوه مطالعه شاخه‌ای جدید را ضروری می‌نماید. همچنین بر این نظر هستند که اگر حقوق اقتصادی یک رشته جدید است، چه ویژگی‌هایی باید برای آن در نظر گرفته شود؟

در پاسخ به این سؤال، طرفداران این نظریه چند ویژگی را برمی‌شمارند:

- ویژگی اول: رشته حقوق اقتصادی ویژگی‌های خاص خود را دارد و این که نهادهایی جدید در حقوق اقتصادی وجود دارد، که این نهادها در حقوق سنتی وجود نداشته است و این نهاد جدید، نهادی مشورتی است که به حقوق اقتصادی عمومی اختصاص دارد، لیکن به جای تعیین جهت‌دهی اقتصادی، و به جای تصمیم‌سازی و تبیین خط‌مشی کلی، در پاره‌ای از موارد دیده شده که این شوراهای مشورتی و این اصناف و

۱. مجلس شورای اسلامی از نخستین دوره، برای کارشناسی طرح‌ها و لوایح، از مشورت موردی کارشناسان استفاده می‌کرد. در عین حال، اساس کار بر فهم شخصی و توان علمی خود نمایندگان متکی بود، لکن از اواخر سال ۱۳۷۱ به دستور هیأت‌رئیس محترم مجلس، نهادی مستقل، دائمی و سازمان‌یافته به نام "مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی" برای ارائه خدمات مستمر کارشناسی و مطالعاتی با هدف انجام دادن طرح‌های مطالعاتی و تحقیقاتی به منظور ارائه نظرهای کارشناسی و مشورتی به نمایندگان، کمیسیون‌ها و هیأت‌رئیس مجلس شورای اسلامی، در کنار مجلس قرار گرفت. مراحل قانونی تأسیس این مرکز در پاییز سال ۱۳۷۴ به انجام رسید.

دولت ممکن است مبتنی بر قرارداد باشد، لیکن ضروری است که این قرارداد با قراردادهای حقوقی سنتی و قواعد آن بر قراردادهای متفاوت باشد، زیرا قراردادهای حقوق اقتصادی فراتر از قراردادهای سنتی و فرمت^۳ است، یعنی ممکن است دولت‌ها در یک قرارداد حقوقی اقتصادی امتیازاتی را بدهند و امتیازاتی را نیز برای ملت بگیرند. این در حالی است که در قراردادهای سنتی، همه مفاد به صورت یک‌طرفه توسط دولت تحمیل می‌شد، مثلاً اعطای بنزین یارانه‌ای به تاکسی‌ها یا اعطای سهمیه لاستیک به اتوبوس‌های درون‌شهری یا برون‌شهری، همه تابع امتیازاتی است که دولت‌ها در جهت ارائه خدمات بهتر در نظر می‌گیرند و این موارد موجب می‌شود تا تاکسی‌ها و سایر ناوگان خدمت‌رسانی، خدمات عمومی مستمری را با قیمت مناسب ارائه نمایند. قراردادهای امتیازی؛ موافقت اصولی؛ یارانه‌ها؛ همگی نوعی از قراردادهای عمومی هستند که ناشی از حقوق اقتصادی است؛ البته باید در نظر داشت که موضوع مشارکت در تقنین و قانون‌گذاری نیز واجد اهمیت است، مثلاً در انگلیس قبل از تصویب قانونی در مجلس، این موضوع در نشریات و رسانه‌های عمومی، به منظور قضاوت مردم، به صورت بیان دیدگاهها ارائه می‌شود تا با جمع‌آوری نقطه‌نظرات مردم و سایر صاحب‌نظران، بهترین گزینه را، که حاکی از نفع عمومی باشد، در مجلس تصویب نمایند؛

- ویژگی چهارم: انعطاف‌پذیری، ویژگی دیگر حقوق اقتصادی است. در پدیده‌های اقتصادی، عوامل غیرقابل پیش‌بینی وجود دارد. لذا قواعد حقوقی ساده نمی‌توانند پاسخ‌گوی این عوامل

نظام اقتصادی کارآمدی هستند که جوابگوی توسعه و تحقق اهداف خود باشند و این مهم، خود نیازمند ابزار حقوقی جدید است و ابزارهای فعلی مورد استفاده دولت، با قوانین و مقررات فعلی موفقیت‌چندانی حاصل نخواهد نمود.

همچنین در دهه‌های اخیر، چالشی به نام توزیع عادلانه ثروت، وجود دارد. امروزه دولت‌ها به کاهش فاصله طبقاتی موظف هستند که قطعاً یکی از آرمان‌های اصلی انقلاب اسلامی ایران نیز دفاع از حقوق مستضعفین در مقابل مستکبران بوده، تا فقیر فقیرتر نشود و غنی، غنی‌تر^۱، لذا مفاهیم عدالت اجتماعی در حمایت از مستضعفان، زنان، کودکان و دفاع از حقوق آنان در قانون اساسی ایران اسلامی، دارای وزنی سنگین هستند. کارایی بازار و توزیع عادلانه ثروت با ابزارهای سنتی حقوق خصوصی و عمومی سنتی، امکان برآورد کردن این دو هدف را ندارند و به ناچار حقوق اقتصادی قابل توجیه خواهد شد؛

- ویژگی سوم: باید دانست در پیشرفت روزافزون اقتصاد امروز مداخله دولت در اقتصاد و رویه آن تغییر کرده است. در گذشته مداخله دولت به صورت دستوری و آمرانه بود، ولی امروزه علاوه بر آمرانه بودن بر مشارکت نیز استوار است، یعنی دولت و بخش خصوصی با یکدیگر مشارکت می‌کنند تا با مشورت، خدمات عمومی بهتری که از اهداف حق^۲ بر یک اداره خوب است، ارائه شود.

در این برهه، جلسات مشترک دولت با بخش خصوصی چشم‌اندازی روشن از این تعاملات و همکاری‌ها است که نتیجه مؤثر آن به هر دو طیف خواهد رسید؛ گرچه مداخله

۳. قراردادهای فرمت، که به قراردادهای یکسان نیز مشهور هستند، شیوه‌ای از تدوین موافقت‌نامه بوده که به صورت یک‌جانبه از سوی کارفرما یا دولت‌ها تدوین و به طرف مقابل ارائه می‌شده و بدیهی است علیرغم وجود شرایط بعضاً تحمیلی در برخی از آنان، طرف مقابل هیچ‌گونه حق دخل و تصرف در آنان را نداشته است؛ گرچه با پیشرفت روزافزون جوامع بشری و تلاش در جهت ایجاد رفاه عمومی و همچنین آگاهی بیشتر مردم به حقوق خود تا حدودی شیوه تدوین این گونه قراردادهای تغییر نموده است، لیکن برخی از آنان به قوت خود باقی هستند. از جمله قراردادهای استخدامی دولت با مستخدمین خود، قراردادهای بیمه و غیره.

۱. این باور ملت بزرگ ایران در اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تبلور یافته است. آنجا که اشعار می‌دارد: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند».

۲. دکترین حق بر اداره خوب، به عنوان یک رویکرد جدید بسیاری از مفاهیم و نهادهای حقوق اداری معاصر را تحت تأثیر قرار داده است (برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: هداوند، ۱۳۹۳: ۴۵).

حقوق اقتصادی در تمام رگه‌های حقوقی از جمله مسؤلیت مدنی، حقوق مالکیت و نیز مالکیت اقتصادی و حتی حقوق اقتصادی در حقوق خانواده، از جمله مقررات مربوط به ارث نیز قابل شناسایی است. حقوق اقتصادی بیشتر در امریکا رشد و توسعه یافته است، یعنی نطفه این حقوق در اروپا توسط صاحب‌نظران مطرح و سپس در امریکا به صورت عملی اقدام شده است. لذا در پاره‌ای اوقات حقوق اقتصادی را Economic Law یا Economic and Law نیز تعریف نموده‌اند. حال باید به این پرسش پاسخ داد که قلمرو و شمول Economic Law تا کجاست؟

با توجه به پژوهش انجام شده، باید اذعان نمود که حقوق اقتصادی شامل همه رشته‌های حقوق بوده و برای هر یک تحلیلی موضوعی و جامع دارد؛ هرچند در گذشته نیز بحث حقوق اقتصادی بوده است، اما تجسم و ظهور اصلی آن در سال ۱۹۵۰ در امریکا خودش را نشان داد. پرفسور ریچارد پوزنر^۱، قاضی آمریکایی و یکی از سردمداران مکتب شیکاگو^۲

مهم مستحده و پیچیده باشند. بنابراین، با ابزارهای حقوق اقتصادی، این عوامل قابل پیش‌بینی، قابل حل می‌گردند و کلیدواژه حل آنها "مقررات" است. لذا مقررات، مهم‌ترین ابزار حقوقی اقتصادی است که می‌تواند شرایط جدید را وفق دهد، چون یکی از دلایل ایجاد حقوق اقتصادی هم‌گام و هم‌سو بودن با نیازها و قواعد روز اقتصادی است و عدم انعطاف‌پذیری، مانع از برقراری این ارتباط خواهد شد. حقوق مالیاتی، حقوق اساسی اقتصادی، حقوق انرژی، حقوق کار، حقوق بورس، حقوق بیمه و ... مواردی است که ضرورت ایجاد انعطاف و تحول را بیان می‌کنند؛

- ویژگی پنجم: حقوق اقتصادی، حقوق سازمان‌دهی و توسعه اقتصادی است. در گذشته دستورات دولت‌ها بیشتر جنبه سلبی داشتند و صرفاً به انجام کارهایی نهمی می‌کردند، ولی امروزه دولت‌ها با سازمان‌دهی و توسعه اقتصادی، خواه مربوط به دولت‌ها و شرکت‌های دولتی باشد یا شرکت‌های خصوصی یا ترکیبی از آنها، سازمان‌دهی آن مربوط به دولت است و این گونه در عرصه اقتصادی نقش‌آفرینی می‌کنند؛ البته در مفاهیم عمومی کلیدواژه‌هایی دیگر برای تعریف حقوق اقتصادی بیان شده، که به صورت گذرا برای حصول به مباحث مهم‌تر، تحت سرفصل‌هایی ارائه می‌شوند:

- برخی حقوق اقتصادی را تنظیم اقتصادی می‌دانند؛
- برخی دیگر حقوق اقتصادی را اشتراکی کردن و تمرکز می‌دانند؛
- گروهی دیگر حقوق اقتصادی را حقوق نفع عمومی اقتصادی می‌دانند.

لیکن باید به این نکته دقت نمود که قلمرو حقوق اقتصادی تا کجاست؟

برخی معتقدند حقوق اقتصادی نباید بر اساس موضوع تعریف شود، بلکه باید بر اساس قواعد آن تعریف، و حدمرز آن مشخص شود، مثل حقوق حمایت از مصرف‌کننده و ...

۱. ریچارد آلن پوزنر (به انگلیسی: Richard Allen Posner) (/ˈpɒznər/؛ زاده ۱۱ ژانویه ۱۹۳۹) قاضی، نظریه‌پرداز حقوقی و اقتصاددان آمریکایی است. او قاضی دادگاه استیناف حوزه هفتم ایالات متحده آمریکا در شیکاگو و مدرس ارشد مدرسه حقوق دانشگاه شیکاگو و چهره‌ای پیشرو در زمینه حقوق و اقتصاد است. (Shapiro, 2000: 415)

۲. دانشگاه شیکاگو در سال ۱۸۹۲ میلادی توسط جان راکفلر صاحب و مدیر یکی از شرکت‌های نفتی آمریکا تأسیس شد. هدف اولیه راکفلر این بود که دانشگاه شیکاگو به پایگاهی برای تربیت متخصصان تبدیل شود، اما ورود فیلسوفان به این دانشگاه، از همان آغاز برای تقییری دیگر رقم زد. نخستین فرد تأثیرگذار که به دانشگاه شیکاگو پا گذاشت و راه آینده را پیش پای آن گذاشت، جان دیویی (۱۸۵۹-۱۹۵۲) فیلسوف پراگماتیسم آمریکایی بود. در واقع، جان دیویی بود که اصطلاح مکتب شیکاگو را باب کرد و کوشید شاخه‌های مختلف تفکر عمل‌گرایانه را ذیل این عنوان، سامان دهد. نخستین تشکلهای فکری که ذیل عنوان عمومی مکتب شیکاگو و تحت تأثیر جان دیویی شکل گرفت، در حوزه‌های فلسفه، دین، جامعه‌شناسی و اقتصاد بود. گردانندگان محفل اقتصادی دانشگاه شیکاگو، تورستاین و بلن و فرانک‌اچ نایت بودند. جریان‌های غیراقتصادی دانشگاه شیکاگو، عمدتاً در سال‌های استادی جان دیویی (۱۸۹۴-۱۹۰۴) رشد و نمو کردند، اما شاخه اقتصادی مکتب شیکاگو دیرتر از بقیه شاخه‌ها و در دهه بیست قرن بیستم سامان یافت. جنبشی که با وبلن و نایت شروع شده بود و تأکید اصلی آن بر "بازار آزاد" و فضیلت‌های آزادی اقتصادی بود، از دهه ۲۰ به بعد توسط جورج استیگلر و میلتون فریدمن بسط یافت و به جریان قالب در دنیای اقتصاد تبدیل شد و در دهه ۱۹۵۰، استفاده از اصطلاح مکتب اقتصادی شیکاگو رواج یافت. (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۳: ۱)

بررسی قرار می‌گیرد، این نتیجه یافت می‌شود که در آن ادبیات، یک موضوع انسانی طی یک قاعده حقوقی مورد توجه قرار گرفته است و انتخاب معقول، به عنوان معیاری در این اصل و قانون رعایت شده است.

بنابراین، هر نوع آثاری که در گذشته ملاحظه می‌شد، اعم از انتخاب معقول، منفعت، سود و ... را می‌توان ناشی از برداشت از حقوق دانست. از قرن ۱۵ تا اواخر قرن ۱۹ مکتب دیگری وجود داشت به نام کامرالیست‌ها^۲. این مکتب مهم‌ترین ابزار رسیدن به این هدف را دخالت دولت در اقتصاد می‌دانست.

۸ نقش انحصارگرایی در بازار

در علم اقتصاد، انحصار^۳ زمانی به وجود می‌آید که شخصی ویژه یا یک سرمایه‌گذار کنترل کافی روی تولید یا خدمتی خاص دارد و به طور معنی‌داری، برحسب این که افراد دیگر باید به آن دسترسی داشته باشند، تعیین می‌شود؛^۴ البته برای واژه انحصاری چند معنی مختلف، با یک ریشه مشترک بیان شده است: منسوب به انحصار؛ منحصر، متعلق به شخص و مؤسسه یا گروهی معین (معین، ۱۳۸۷: ذیل واژه).

بدیهی است انحصار، موجب عدم کارایی و شکست بازار می‌شود و رقابت سالم در چارچوب مقررات قانونی، چاره مبارزه با انحصار است. اقدام در این خصوص، یکی از وظایف خطیر دولت‌ها است که باید در نظام حقوق اقتصادی، در پناه رقابت یا تصویب قوانین کاربردی، رفع مشکل نمایند، زیرا در یک بازار رقابتی، تولید و عرضه کالاها از انحصار یک گروه ذی‌نفوذ اقتصادی یا سیاسی خارج خواهد شد و با وجود تنوع کالاهای متفاوت با برندهای گوناگون، عملاً شرایط را از انحصار به رقابت تبدیل خواهد نمود و در این بازار است که مصرف‌کننده می‌تواند حق انتخاب مناسب داشته باشد و از طرف دیگر، همین انحصارزدایی در بازار، ارتقای سطح کیفیت

یک صاحب‌نظر حقوق اقتصادی است. اندیشه‌های وی، نقش زیادی در توسعه حقوق اقتصادی در جهان داشته است.

در قرن ۱۹ حقوق اقتصادی در اروپا ریشه تاریخی داشت و نهضت علمی گسترده‌ای قصد استفاده از روش‌های اقتصاد در حقوق را داشتند و پیداست که به دنبال درک بهتر از حقوق با استفاده از متدهای اقتصادی بودند و در پی جواب این سؤال بودند که چگونه می‌شود از اقتصاد و آمار در حقوق استفاده کرد؟

اهمیت بررسی تحول تاریخی این بحث، مدنظر سایر اندیشمندان علم اقتصاد و حقوق بوده است. در اروپا مکتبی به نام طرفداران اقتصاد سازمانی یا برداشت اطریشی^۱ وجود داشته است. این مکتب در زمینه‌های مفاهیم اقتصادی در حقوق بحث‌های مختلفی را انجام دادند، اما موضوع بحث حقوق اقتصادی جلب توجه کرد.

اهمیت حقوق اقتصادی تا آنجا است که تاکنون جایزه نوبل نیز به دو نفر ریال که در خصوص تاریخ حقوق اقتصادی ایده-سازی کرده بودند تعلق گرفت. در اینجا باید متذکر این نکته شد که از برداشت‌های اقتصادی، نه تنها در حقوق، بلکه در سیاست، در اجتماع و سایر علوم نیز بهره گرفته می‌شود. با بررسی تاریخی در نحوه تحول و تکامل حقوق اقتصادی، در اواخر قرن ۱۸ مطالبی را درباره حقوق اقتصادی می‌توان یافت، مثلاً آدام اسمیت کتابی می‌نویسد که در آن با برداشت‌هایی از حقوق، اثرات قوانین تجاری را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. همچنین در گذشته نیز هر ادبیاتی که مورد

۱. اقتصاد اتریشی یا مکتب اتریشی (به آلمانی: Österreichische Schule) که به مکتب وین نیز مشهور است یکی از مکتب‌های اندیشه اقتصادی خارج از جریان اصلی است که بر سازمان‌یابی خودبخودی بر اساس سازوکار قیمت‌ها تأکید دارد. فردگرایی روش‌شناختی و خنثی نبودن پول از دیگر مشخصه‌های فکری آن است. نام این مکتب از بنیان‌گذاران و هواداران نخستین خود که شهروندان امپراتوری هابسبورگ اتریش بودند، از جمله کارل منگر، اوژون فن بوم - باورک، لودویگ فن میزس و برنده جایزه نوبل، فردریش هایک مشتق شده است. امروزه، پیروان مکتب اتریش از سراسر جهان هستند، اما بیشتر با عنوان اقتصاددانان اتریش و آثار آنان با عنوان اقتصاد اتریشی نامیده می‌شود.

۲. مشهورترین دانشمند این مکتب، ژرژ زینکه می‌باشد.

3. Monopoly

۴. به منظور مطالعه بیشتر رجوع کنید به: اکودیک، بی‌تا: ۴۸.

بنابراین، حقوق اقتصادی را باید حقوق سازمان‌دهی و توسعه دانست که در کنار سایر ویژگی‌های خود، از جمله کارایی بازار، انعطاف‌پذیری، مشارکت دولت و بخش خصوصی، ایجاد رقابت سالم در چارچوب مقررات و با ایجاد نهادهای جدید، افزایش ثروت و کارایی بازار و توسعه همه‌جانبه عدالت اقتصادی در جامعه را موجب خواهد شد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش اولیه مقاله توسط نویسنده مسؤول انجام گرفته است؛ آقای دکتر محمد قیوم‌زاده منابع را تهیه کرده‌اند و خانم دکتر منصوره باقری‌پور ویرایش و نگارش نهایی را عهده‌دار بوده‌اند.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

محصول توسط تولیدکنندگان و کاهش قیمت را موجب می‌شود؛ البته دولت با تبیین سازوکارهای نظارتی و دقیق باید مراقبتی کامل را ارائه نماید تا این بازار رقابتی به یک بازار رقابتی انحصاری مبدل نشود.

نتیجه‌گیری

حقوق اقتصادی، شاخه‌ای نو در علم حقوق و در موازات آن، علم اقتصاد است و در واقع، به نوعی، حقوقی کردن اقتصاد با پارامتر دخالت دولت تلقی می‌گردد. این رشته مهم حقوقی، که با هدف افزایش ثروت و رفع موانع و ناکارآمدی بازار یا به عرصه گذارده است، دیر زمانی است که در اکثر کشورهای پیشرفته، جایگاه و موقعیت خویش را بازشناخته است. در حقوق اقتصادی، حقوق با ابزار و مفاهیم اقتصادی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

در حقوق اقتصادی، مفاهیمی بکار گرفته شده است که در شکل‌گیری نهادهای خصوصی و در تدوین و تفسیر قوانین و مقررات و قواعد، نقش اساسی دارد و مقررات از زمره آن مفاهیم است. مقررات با ویژگی انعطاف‌پذیری تحولات و تغییرات اقتصادی منطبق می‌باشد و از آنجا که یکی از ابزارهای حقوقی دولت‌ها در تنظیم روابط در هر نظام اقتصادی، برای اعمال مقررات، قراردادها است، به این منظور، قراردادهای اقتصادی، که وسیله اعمال اراده حکومت‌ها در بازار است، در حقوق اقتصادی شکل گرفته است تا به تکامل و مدرنیزه کردن قراردادهای سنتی کمک نماید.

مضافاً این که در کنار ملی کردن، خصوصی‌سازی و دموکراتیزه کردن اقتصاد و ...، اصل مهم آزادی اقتصادی وجود دارد. این اصل در پاره‌ای از موارد، در جهت حفظ منافع عمومی محدود می‌شود و به این ترتیب، استثنایی بر اصل آزادی خصوصی اعمال می‌شود. با این استدلال، حقوق اقتصادی، شاخه‌ای درهم‌تنیده بین حقوق و اقتصاد، در ایجاد تعادل و کارایی بازار و بسط عدالت اجتماعی است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- الف، نعمت‌الله (۱۳۸۴). «نظم عمومی و الزام به انعقاد قرارداد»، فصلنامه علمی - پژوهشی حقوق اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۲ (۷): ۷۹-۱۰۴؛
- اکودیک، (بی‌تا). *دانشنامه اقتصادی بورس، بانک، بیمه، امور مالی و بازرگانی*؛
- حساس یگانه، یحیی؛ شیری، یحیی و محمدی، ناهید (۱۳۸۷). «حاکمیت شرکتی، خصوصی‌سازی و اثرات آن»، *سلسله مقالات حاکمیت شرکتی، حسابدار، ۲۳ (۱۹۸): ۵۶-۶۸*؛
- دنیای اقتصاد (۱۳۹۳/۱/۲۹). «مکتب شیکاگو»، به نقل از وبسایت دنیای اقتصاد در تاریخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۰، به نشانی اینترنتی: <https://www.daneshnamah.com>
- رمضان‌پور، رحمان (بی‌تا). «مفهوم قراردادهای ناظر بر ارائه خدمات عمومی و جایگاه این گونه از قراردادها در بین قراردادهای اداری»، به نقل از نشریه حقوقی عدلیه در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۰.
- طجرلو، رضا (۱۳۸۹). «بررسی مبانی نظری حقوق ورشکستگی در سیستم حقوقی امریکا و انگلستان»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۰ (۲): ۲۳۹-۲۵۷؛
- *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱)*. تهران: انتشارات ریاست جمهوری؛
- *قوانین و مقررات سازمان خصوصی‌سازی جمهوری اسلامی ایران*؛
- کوهن، توماس ساموئل (۱۳۶۹). *ساختار انقلاب‌های علمی*، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات سروش؛
- معین، محمد (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی*، تهران: انتشارات سرايش؛
- مهرپور، حسین (۱۳۷۱). «مجمع تشخیص مصلحت نظام و جایگاه قانونی آن»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱ (۱۰): ۷-۵۶؛
- هداوند، مهدی (۱۳۹۳). *حقوق اداری تطبیقی*، تهران: انتشارات سمت؛
- نجابت‌خواه، مرتضی؛ هداوند، مهدی؛ همتی، مجتبی؛ آقایی طوق، مسلم؛ شمس، عرفان؛ یزدانی، هرمز؛ مشهدی، علی و جم، فرهاد (۱۳۸۹). *آیین‌های تصمیم‌گیری در حقوق اداری (مطالعه تطبیقی)*، تهران: انتشارات خرسندی؛
- همشهری آنلاین (بی‌تا). «خصوصی‌سازی چیست؟»، به نقل از وبسایت ویستا در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۱، به نشانی اینترنتی: <https://vista.ir>
- هوشمند، محمود؛ فرمانبر، محمد و کیوانفر، محمد (زمستان ۱۳۸۹). «تحلیل عملکرد شرکت‌های واگذار شده به بخش خصوصی (از طریق بورس اوراق بهادار) طی برنامه سوم توسعه»، *مجله دانش و توسعه (علمی - پژوهشی)*، ۱۷ (۳۳): ۷۶-۹۶.
- ب. منابع خارجی
- Shapiro, FR (2000). "The Most-Cited Legal Scholars". *Journal of Legal Studies*. 29 (1): 409-426 (English);

References

- Cohen, TS (1990). *The Structure of Scientific Revolutions*, translated by Ahmad Aram, Tehran: Soroush Publications (Persian);
- *Constitution of the Islamic Republic of Iran* (2013). Tehran: Presidential Publications (Persian);
- Ecodic (No Date). *Economic Encyclopedia of Stock Exchange, Banking, Insurance, Finance and Commerce* (Persian);
- Hamshahri Online (No Date). "What is privatization?", Quoted from *Vista website* on 21-4-2019, to the Internet address: <https://vista.ir> (Persian)
- Hassas Yeganeh, Y; Shiri, Y & Mohammadi, N (2008). "Corporate Governance, Privatization and Its Effects", *Corporate Governance, Accountant*, 23 (198): 56- 68 (Persian);
- Hodavand, M (2015). *Comparative Administrative Law*, Tehran: Samat Publications (Persian);
- Hooshmand, M; Farmanbar, M & Keyvanfar, M (Winter 2010). "Analysis of the performance of companies transferred to the private sector (through the stock exchange) during the Third Development Plan", *Journal of Knowledge and Development* (Scientific-Research), 17 (33): 76-96 (Persian);
- *Laws and Regulations of the Privatization Organization of the Islamic Republic of Iran* (Persian);
- Mehrpour, H (1993). "Expediency Discernment Council and its Legal Status", *Legal Research Quarterly*, Shahid Beheshti University, 1 (10): 7-56 (Persian);
- Moin, M (2009). *Farhang-e Farsi*, Tehran: Saraish Publications (Persian);
- Najabatkhah, M; Hadavand, M; Hemmati, M; Aaqaei Tutuq, M; Shams, E; Yazdani, H; Mashhadi, A & Jam, F (2010). *Decision-making mirrors in administrative law (Comparative Study)*, Tehran: Khorsandi Publications (Persian);
- Ramezanpour, R (No Date). "The concept of contracts governing the provision of public services and the position of this type of contract among administrative contracts", *quoting the Legal Journal of Justice on 10/01/2018* (Persian);
- Shapiro, FR (2000). "The Most-Cited Legal Scholars". *Journal of Legal Studies*. 29 (1): 409-426;
- Tajarloo, R (2011). "A Study of the Theoretical Foundations of Bankruptcy Law in the American and British Legal Systems", *Quarterly Journal of Public Law Studies*, 40 (2): 239-257 (Persian);
- Ulfat, NA (2005). "Public order and the obligation to conclude a contract", *Scientific-Research Quarterly of Islamic Law*, Research Institute of Islamic Culture and Thought, 2 (7): 79-104 (Persian);
- World of Economics (18-4-2018). "Chicago School", *quoted from the website of the World of Economics on 2-1-2020*, at the following address: <https://www.daneshnamah.com> (Persian).